دموکراسی از دیدگاه ولتر

اصغری تبریزی، اکبر

از شما چه پنهان بنظر حکومت دموکراتیک تنها حکومتی است که من احتمالا میتوانستم با آن کنار بیایم.فکر میکنم آن فیلسوف اشتباه میکرد وقتیکه خطاب به یکی از هواداران حکومت مردمی میگفت:"آنرا نخست در چهار دیواری خانه‏ات تجربه کن تا ببینی چه زود از آن خسته میشوی‏".من با اجازهء این فیلسوف عالیقدر میخواهم خاطر نشان کنم که یک خانه و یک‏"شهر"دو چیز کاملا متفاوتند،چه خانه من مال من است، اهل و عیال من مال منند،خدمهء من اگر اجرتشان را درست و بموقع پرداخت کنم مال‏ منند،اما من به چه حقی میتوانم‏"همشهریان‏"خود را از آن خود بدانم؟کلیه‏ افرادیکه دارای تعلقاتی بر روی یک سرزمین هستند در حفظ نظم و آرامش آن بطور یکسان‏ حق دارند.

من از مشاهدهء انسانهای آزاده‏ای که تحت قوانینی که خود وضع کرده‏اند همچنانکه‏ زیر سقف خانه‏هایی که خود ساخته‏اند زندگی میکنند جدا لذت میبرم.این برای من‏ حقیقتا لذت بخش است که ببینم بنای من،نجار من،آهنگر من مرا در ساختن خانه‏ام‏ یاری کرده‏اند و همسایه من و دوست کارگر من پا را از میدان حرفه و پیشه خود فراتر گذاشته و مصلحت عمومی را خیلی بهتر از قلدرترین پاشای ترک درک میکنند.در یک‏ دموکراسی واقعی هیچ کشاورزی و هیچ پیشه‏وری دیگرنه ترسی از سرکوفت دارد و نه هراسی‏ از تحقیر.در چنین حکومتی دیگر هیچکس حال آن کلاهد و زنگونبخت را نخواهد داشت‏ که وقتی بعلت پرداخت نشدن دستمزدش شکایت پیش کارفرمای خود حضرت دوک برده‏ بود در پاسخ عرضحال خود چنین شنید:ببینم دوست من یعنی میخواهی بگوئی که در ازای کاری که برای ما عرضه داشتی چیزی دریافت نکردی؟!"و کلاهد و ز بیچاره جواب‏ داد:"خیلی میبخشید قربان ولی باید به اطلاعتان برسانم تنها چیزی که از دست‏ مبارک مباشرتان دریافت کردم سیلی جانانه‏ای بود که بر بنا گوشم نواخت‏"

راستی چه خوب بود اگر آزادی انسان بعلت عدم توانائیش در پرداخت مالیات‏ به کسی که اصلا او را نمیشناسد،مالیاتی که وی نه از درستی مبلغش اطلاع دقیقی دارد و نه از مناسبت و نه از ماهیتش،دیگر هیچگاه مورد تهدید قرار نمیگرفت!آزاد بودن، خود را با دیگران برابر و یکسان یافتن،اینست زندگی واقعی.